

يك نشانه از توسعه يا فتگي سياسي

عباس عبدي

يکي از موضوعات مهم پيدا کردن شاخصها يا نشانه‌هاي مناسب براي سنجیدن مفاهيم کيفي است. براي مثال اميد به زندگي، بهترين شاخص براي سنجش کارايي و توسعه يافتگي نظام بهداشت و درمان يك کشور است.

اکنون مي‌توان پرسيد که شاخصهاي مهمي که معرف توسعه يافتگي سياسي باشند، کدام هستند؟ اين شاخصها فراوانند. آزادي بيان و رسانه، انتخابات آزاد، تعدد احزاب، گردش قدرت، نهادهاي مستقل حل اختلاف و... در اين يادداشت مي‌خواهم به يك موردی که کمتر اظهار ميشود، اشاره کنم؛ کمیته‌هاي دو يا چند حزبي. در حقيقت توسعه سياسي، به يك تعبير يعني حل قطعي اختلافات سياسي از طريق مسالمت‌آمیز. براي تحقق اين هدف بايد پرونده اختلافات سياسي در کوتاه‌ترين زمان‌ها بسته شود. شايد يکي از ويژگي‌هاي جامعه ما باز بودن دايمي اين پرونده‌ها است. به همین علت نیز هر از گاهي يکي از پرونده‌هاي گذشته گشوده ميشود و بدون رسيدگي موثر و صدور حکم قطعي متوقف يا فراموش ميشود تا نوبتي ديگر که همین پرونده گشوده شود. راه حل چیست؟ راه حل اين اختلافات تشکيل کمیته‌هاي دو يا چند حزبي است که هدف آنها نهايي کردن داوري‌ها است. حتي مهم‌تر از داوري مشترك و منصفانه بعد از رويداد اين است که در يك جامعه توسعه يافته مي‌کوشند که در موضوعات مهم و اساسي از ابتدا توافق و مشارکت احزاب و گروه‌هاي ديگر را نیز به دست آورند. سياستمدار کوتاه‌بين گمان مي‌کند که با يك دست کردن عناصر اجرايي و تصميم‌گير مي‌تواند سريع‌تر به هدف خود برسد. البته اين تصور در مواردی درست است، ولي مشکل پس از رسيدن به هدف آغاز و مخالفتها آغاز ميشود. دولت‌ها بايد بکوشند که در تصميمات اساسي منتقدان و مخالفان سياسي خود را نیز مشارکت دهند. اصولاً چنين تصميماتي را نمي‌توان بدون اجماع ملي اتخاذ کرد. در هندسه، کوتاه‌ترين فاصله بين دو نقطه خط راستي است که آن دو نقطه را به هم وصل مي‌کند، در حالي که در سياست چنين قاعده‌اي درست نيست چه بسا اين راه طولاني‌ترين فاصله باشد و حتي هيچ‌گاه به مقصد نرسيم. جنگ و صلح نمونه‌اي از اين نوع تصميمات است. در غير اين صورت هميشه عده‌اي خواهند بود که پرونده‌هاي جنگ يا صلح را دو باره و سه باره و چند باره باز کنند و هيچ پرونده‌اي

در سیاست مختومه نشود. همان اندازه که مختومه نشدن پرونده‌های قضایی موجب تزلزل در جامعه میشود، مختومه نشدن پرونده‌های سیاسی نیز همین آثار را خواهد داشت، به همین علت است که می‌بینیم در ایالات متحده برای بررسی حمله به عراق و خطاهای رخ داده، یک کمیته دو حزبی از افراد موجه دو حزب تشکیل دادند تا داوری نهایی را انجام دهد. حتی در حمله به عراق هم سعی کردند که دو حزب را در تصمیم نهایی مشارکت دهند. در جریان برجام این پیشنهاد در داخل هم مطرح بود که هیات مذاکره‌کننده دو حزبی باشد تا نمایندگان جناح‌ها در آن حضور داشته باشند و نتیجه را محصول خود دانسته و دفاع کنند، نه آنکه بلافاصله پس از تصویب دشمنی با آن آغاز شود. در این دوره هم همین ایده می‌توانست کارساز باشد. البته انجام این کار مستلزم مقدماتی است، چه بسا حضور دیگران به مانع جدی در تصمیم‌گیری تبدیل شود، از این رو نیازمند فرهنگ سیاسی توسعه‌یافته است که مسوولیت‌پذیری نسبت به منافع ملی در برابر منافع حزبی و شخصی است. رازداری و به سطح عمومی نکشاندن اختلاف نظرات نیز از این جمله است. در هر حال برای رسیدن به این فرهنگ چاره‌ای نیست، جز اینکه از یکجا آغاز شود. هر چند جامعه ما تا رسیدن به این نقطه راه درازی را در پیش دارد.

م:؛ ۱۴۰۱ ۲۳ ۱۴۰۱